**خامنه ای و تلاشهای بیهوده**

**بهروز مهرآبادی**

در میان کشمکش باندهای مختلف جمهوری اسلامی رهبر وارد گود شد. بنظر میرسد که او بهتر از هر کس دیگر شرایط وخیم نظام را درک می کند. بحران وخیم اقتصادی امواج پشت سر هم اعتراضات و تظاهرات را بدنبال داشته است. فقر و فلاکت روزافزون، به غارت رفتن منابع آب و غارت و ویران سازی سایر منابع محیط زیستی زندگی را برای تمام کسانی که در ایران زندگی می کنند، غیر قابل تحمل کرده است. مردم در مقابل مسببین این وضعیت ایستاده اند. جنبش کارگری بصورت آتشفشانی در آمده و حتی هنوز که به نقطه انفجار نرسیده، غرش های آن سران جمهوری اسلامی را به هراس انداخته است. ترس رژیم از خیزش مردم را می توان در دستگیری فعالین مختلف سیاسی و اجتماعی دید. تنفر از آخوند و دستگاه مذهب چیزی نیست که بتوان از کسی پنهان کرد. کودکان دبستانی شعار مرگ بر خامنه ای سر می دهند و مردم روز روشن در خیابان آخوند را تعقیب کرده و میگویند که سگ از خامنه ای و آخوند خیلی تمیزتر است. دخالتگری اوباش رژیم در مورد حجاب بدون جواب نمی ماند و هر روز پوزه آمرین به معروف و ناهیان از منکر توسط زنان و جوانان به خاک مالیده میشود. دامنه اعتراضات حتی به صفوف درون نظام کشیده شده. حتی آنها که با گذشتن از صافی های رهبر به عضویت مجلس اسلامی در آمده اند در پشت تریبون از فساد غیر قابل درمان نظام صحبت می کنند و مخاطبشان شخص خامنه ای است.

شکاف در درون باندهای رژیم از هر زمان دیگر بیشتر است. اما همه در یک نکته توافق دارند سرنگونی رژیم امری محتوم است. باید از فرصت استفاده کرد و قبل از سرنگونی تا آخرین لحظه غارت کرد و متواری شد. اما فرار و پنهان شدن برای بسیاری از دست اندرکاران رژیم عملی نیست. جنایات رژیم برای هیچ کس قابل انکار نیست و هر کدام از سران آن را در هر جای دنیا می توان به خاطر جنایت علیه بشریت به محاکمه کشید. از اینرو تلاش دارند تا جایی که زورشان میرسد قدرت را حفظ کنند.

خامنه ای میداند که ادعایش در مورد "پیشرفت کشور و انقلاب" را کسی باور ندارد. دست پیش را می گیرد و میگوید: "بیان این موضوع به عنوان رجزخوانی نیست". اما این ادعا را سفره خالی و حقوقهای عقب افتاده کارگران می تواند گواهی دهد، اینرا کودکان زباله گرد می توانند شهادت دهند، اینرا همه کسانی که روز سه شنبه ۱۳ شهریور، دو روز قبل از سخنرانی خامنه ای، شاهد خودسوزی فردی مستاصل در مقابل شهرداری تهران دیده و یا خبر آن را شنیده اند، می توانند گواهی کنند و یا کسانی که از خودسوزی کارگر شهرداری در شادگان و یا دستفروش خرمشهری با خبرند. خامنه ای خودش هم به حرفهایش باور ندارد. اما صحبت های ولی فقیه رجزخوانی نیست، مزخرف گویی و لاطائلات است. کسی که فقط چند دقیقه در خیابانهای ایران قدم بزند یا یکی از گزارش رسانه های مجاز در باره فقر مردم را بخواند، باید احمق باشد تا این اراجیف را قبول کند.

سخنرانی خامنه ای در روز پنجشنبه در جلسه مجلس خبرگان آخرین تلاش ولی فقیه برای یک دست کردن نظام در مقابل تهاجم مردم است. هشدار می دهد: "اگر در هر اوضاع و اقتضایی، آحاد مردم بویژه نخبگان، نسبت به شرایط و جایگاه نظام غفلت کنند، قطعاً ضربه خواهیم خورد". در پس لفاظی ها و مبهم گویی ها می توان شنید که سرنگونی نزدیک است باید فکری کرد. تنها راه چاره را در همراهی با دولت دولت میداند. اگر دعوا تشدید شود و همه دولت را هدف قرار بگیریم، مردم به سرمان میریزند. "شرایط امروز ما، شرایط حساسی است"، "دعوا کردن راه صلاح نیست". و **"ر**اه علاج مشکلات کشور، خالی کردن پشت دولت و ابراز برائت از فعالیت دستگاه های مسئول نیست." حمایت از دولت و حکم بر باقی ماندن روحانی به عنوان رئیس جمهور را خامنه ای چند هفته قبل داده بود ولی اعتبار سخنان او حتی دو روز هم دوام نیاورد. نارضایتی و اعتراضات عمیق مردم به شکاف های درون حکومت دامن زد. در هفته های اخیر اسناد زیادی از دزدی ها و اختلاس های وابستگان به دولت انتشار یافت. مجلس چهار پاسخ در مقابل پنج پرسش از رئیس جمهور را قبول نکرد. استیضاح و برکنار وزرای بیشتر و حتی شخص رئیس جمهور نظام یکی از بحث های مجلس اسلامی در هفته های اخیر بوده است. صحبت های اخیر خامنه ای هم دوام چندانی نخواهد داشت و اختلافات و جدال های درون نظام بالا خواهد گرفت.

سقوط دولت می تواند به معنای افزایش بی ثباتی و درگیری های درونی حکومت باشد و سرنگونی را تسریع کند. خامنه ای ناچار به دخالت شده است. اوضاع عوض شده و تشدید دعوا با جناح رقیب برای سهم خواهی بیشتر، خطرناک است باید سیاست دیگری در پیش گرفت: "در چنین شرایطی، در جنگل پر از تعارض سیاست بین المللی، شرایط و اقتضائات گوناگونی به وجود می آید که باید در هر شرایطی به تناسب آن و با دقت کامل عمل کرد"**.**

حمایت خامنه ای از دولت و تغییر سیاست چه در سیاست داخلی و چه در عرصه خارجی گرچه ممکن است برای مدت کوتاهی بر اختلافات سرپوش بگذارد ولی جمهوری اسلامی نه چاره ای برای پاسخ دادن به اعتراضات گسترده مردم دارد و نه امکان پایان دادن به کشمکش های درونی خود. تغییر سیاست و تغییر در موازنه قوا منافع بعضی جناحها را به خطر می اندازد. ارگانهای مختلف قدرت که خامنه ای از کارکرد آنها بعنوان "موازی کاری" نام می برد نمیتوانند به کاهش نفوذ و منافع خود رضایت بدهند. "موازی کاری" در جمهوری اسلامی به معنی ارگانها و نهاد های مختلفی است که هر کدام حیطه نفوذ و منبع درآمد های سرشار خود و حتی دستجات اوباش مسلح و زندانهای خود را دارند و به سادگی نمی توانند از درآمد هایشان بگذرند. تغییر سیاست و کاهش بخش هر کدام از ارگانها و نهادها موجب درگیری های بیشتر در درون نظام خواهد شد. خیزش های وسیع مردمی اینبار در ابعادی بزرگتری گسترده شده و بزودی شاهد اعتصابات گسترده تر و تظاهرات های عظیم تر مردم خواهیم بود که با هیچ میزان سرکوب و با هیچ ترفندی نمی توانند مانع آن شوند. دور جدیدی از سازماندهی اعتراضات و اعتصابات سراسری آغاز خواهد شد. با شروع سال تحصیلی جدید و بازگشایی دانشگاه ها و مدارس باید منتظر تحرکات گسترده تر بویژه از سوی جوانان و دانشجویان باشیم. نصایح و توصیه های و حتی اوامر ولی فقیه دردی از مشکلات جمهوری اسلامی درمان نمی کند. نسخه نهایی را اعتراضات گسترده تر و متشکل تر مردم در خیابانها خواهد پیچید.